

۲۴۶۴ روز از آغاز حمله عربستان به یمن می گذرد. جنگی که قرار بود دو هفته‌ای با تصرف صنعا پایتخت و نابودی انصارالله و بازگرداندن «عبدربه منصور هادی» رئیس‌جمهور فراری و مستعفی یمن به قدرت به سرانجام برسد. این جنگ حالا بعد از گذشت ۶سال و ۸ ماه و ۲۶ روز بدون هیچ سرانجامی مایوسانه از سوی آل سعود ادامه دارد.عربستانی که قرار بود با تصرف برق آسای صنعا به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر شود حالا در آستانه از دست دادن مارب مهم‌ترین پایگاه استراتژیک خود در یمن است. سعودی‌ها حتی قادر نیستند جلوی حملات هوایی و موشکی نیروهای یمنی به عمق خاک خود را بگیرند. با کشتار زنان و کودکان و نابودی زیرساخت‌های یمن جنگ یمن جز بی‌ابروی برای محمد بن سلمان دستاورد دیگری نداشته‌است.در این جنگ بر اساس آمارهای رسمی ارائه شده از سوی منابع یمنی ۲۴ هزار و ۲۲۱ غیرنظامی شهید و زخمی شده‌اند که از میان آنها ۱۷ هزار و ۲۹۰ تن شهید و ۲۶ هزار و ۹۲۱ تن زخمی شده‌اند و از میان شهدا ۴۲۷۰ تن کودک و ۲۸۵۰ تن زن هستند. در این حملات ۱۵ فرودگاه، ۱۶ بندرگاه، ۲۱۲ نیروگاه تولید برق، ۵۵۸ شبکه مخابراتی، ۲۵۴۲ مخزن و ایستگاه آب، ۱۹۹۴ تأسیسات دولتی و ۵۷۴۹ راه و پل هدف قرار گرفته شده‌است. آمارهای غیر رسمی میزان تلفات و خسارت‌ها را بسیار بیشتر ارزیابی می‌کنند.پیش‌بینی‌ها درست بود عربستان در باتلاق جنگ یمن گیر کرد و یمن به ویتنامی برای سعودی‌ها تبدیل شد. به نظر می‌رسد عربستان هیچ چاره‌ای جز خروج خفت‌بار از یمن و پذیرش اقتدار انصارالله در این کشور مظلوم و مظلوم را ندارد.

سرویس بین‌الملل کیهان

بی‌آبرویی تنها دستاورد بن سلمان از ۲۴۶۴ روز جنگ یمن

الفصل به عربستان منتقل کرده بودند. در مدل رژیم صهیونیستی، به ضعف مفراط اش آل سعود اشاره و مروری بر رویارویی ارتش سعودی با حوثی‌ها در سال ۲۰۰۹ شده بود که در آن، شکست سنگینی را عربستان متحمل شد بر همین اساس پیشنهاد شد که از ارتش‌های منطقه که با عربستان نزدیک هستند از جمله مصر، پاکستان و اردن در این حمله مشارکت داشته باشند.

اهداف آل سعود از حمله به یمن

دولت سعودی هم‌زمان با آغاز جنگ چند هدف را برای آغاز این تجاوز نظامی به خاک یمن اعلام کرد، اول:عربستان و ائتلاف تحت امر آن بنا به درخواست «منصورهادی» رئیس‌جمهور مستعفی و متواری یمن تصمیم به مقابله با حوثی‌ها و بازگرداندن رئیس‌جمهور قانونی!، یمن به قدرت گرفته‌اند.دوم:«هدف از حمله نجات مردم یمن از دست گروه انصارالله است». سوم: هدف از حمله تأمین ثبات و امنیت



مبارزان یمنی نشان دادند که سرنوشت جنگ را تجهیزات نظامی و حمایت‌های بین‌المللی رقم نمی‌زند.

موسوم به «جیش الاسلام» در صفحه اختصاصی خود در پایگاه اجتماعی توییتر همان زمان اعلام کرد «در حمله به یمن در کنار عربستان قرار دارد.» «هرآن علوش» سرکرده این گروه تروریستی اعلام کرد «۵ هزار جنگجو به یمن برای جنگ با حوثی‌ها اعزام کرده‌است.»این گروه تروریستی تکفیری تأکید کرد اعزام این تعداد تروریست به یمن به درخواست رسمی عربستان صورت گرفته‌است. «حسن زید» دبیرکل حزب «الحقی» یمن نیز گفت نیروی هوایی ارتش رژیم صهیونیستی در این تجاوز نظامی به یمن شرکت دارد. حسن زید در صفحه فیسبوک خود نوشت: «این اولین بار است که یهودی‌های صهیونیست در ائتلافی مشترک با عرب‌ها، عملیاتی مشترک اجرا می‌کنند. از طرف دیگر تجاوز نظامی عربستانی به یمن چند هفته پیش از آن صورت گرفت که «تتائیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سخنانی در مراسم معرفی «گادی آیزنکوت» به عنوان رئیس‌ستاد مشترک ارتش این رژیم از اینکه حوثی‌ها بر

در مرزهای جنوبی عربستان است که توسط انصارالله به مخاطره افتاده‌است.چهارم؛ یمن به اشغال نظامی ایران!! درآمده و ائتلاف تحت رهبری عربستان مجبور به مداخله نظامی شده است. اما همان زمان بسیاری از تحلیل‌گران اعلام کردند عربستان از این لشکرکشی اهداف دیگری را دنبال می‌کند؛ اول:بسیاری معتقدند از دلایل مهم و اصلی عربستان از حمله به یمن استتصال سعودی‌ها در مقابل ایران و جبهه مقاومت بود. بر اساس این تحلیل رسانه‌های غربی و عربی، ایران کنترل چهار پایتخت اصلی منطقه یعنی بیروت، دمشق، بغداد و صنعا را به دست گرفته‌است و به همین دلیل باید هر چه سریعتر اقدامی صورت می‌گرفت تا مانع از گسترش نفوذ ایران شود. جنگ یمن نیز از این منظر و به عنوان جنگ نیابتی بین ایران و عربستان تحلیل می‌شود. «هشال اینترنست» در یادداشتی در این رابطه نوشت: «در حالی که مهم‌ترین نگرانی سیاست خارجی برای عربستان



در این جنگ بر اساس آمارهای رسمی ارائه شده از سوی منابع یمنی ۴۴ هزار و ۲۲۱ غیرنظامی شهید و زخمی شده‌اند که از میان آنها ۱۷ هزار و ۲۹۰ تن شهید و ۲۶ هزار و ۹۲۱ تن زخمی شده‌اند و از میان شهدا ۴۲۷۰ تن کودک و ۲۸۵۰ تن زن هستند.

سعودی، ایران است اما عربستان سعودی حتی در لیست نگرانی‌های مهم ایران وجود ندارد.ایران به عربستان سعودی بی‌اعتنا است.اهمیت استراتژیک یمن برای تهران، کم‌است اما اهمیت بالای یمن برای عربستان سعودی، سبب می‌شود که این کشور تبدیل به یک روش کم هزینه برای فرو کردن انگشت در چشمان ریاض بشود. آل سعود به شدت از این وحشت داشت که در داخل یمن نیز به تاسی از گفتمان مقاومت جنبش انصارالله تبدیل به مدل دیگری از حزب‌الله لبنان شود. اشتباه بزرگ آل سعود این بود که فکر می‌کرد این روند را می‌تواند با مداخله نظامی متوقف کند. از این

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



عربستان هیچ چاره‌ای جز خروج از یمن و پذیرش اقتدار انصارالله در این کشور مقاوم و مظلوم را ندارد.

و سپس شکست سنگین در این جنگ نابرابر همگان را به این واقعیت رهنمون کرد که عربستان غیر از فروش نفت و خرید جنگ‌افزار و انبار آن هیچ هنر دیگری ندارد و با آن میزان از جنگ افزارهای مدرن حتی قادر نیست از پس یک کشور به لحاظ نظامی به شدت ضعیف برآید. این جنگ به وضوح ناتوانی نظامی عربستان را به همگان ثابت کرد. حمله به یمن آن طور که مقامات سعودی ادعا می‌کردند برای تأمین امنیت استان‌های مرزی عربستان با یمن صورت گرفت اما عربستان نه تنها نتوانست انصارالله را در یمن شکست دهد بلکه امنیت استان‌های مرزی نجران،حیضان و عسیر خود را نیز با یمن از دست داد و این استان‌ها بارها هدف موشک‌های یمنی‌ها قرار گرفتند و نیروهای جنبش انصارالله با کمین در مناطق مرزی این استان‌ها تلفات قابل توجهی نیز به نیروهای سعودی وارد کردند. عربستان که با ادعای تأمین امنیت استان‌های مرزی خود وارد این جنگ شده بود حالا به نقطه‌ای رسیده‌است که امنیت پایتخت و حتی کاخ ملک مسلمان نیز توسط موشک‌های یمن به مخاطره افتاده و دیگر هیچ نقطه‌ای از عربستان ایمن نیست. حمله ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی آرامکو در عمق خاک عربستان نیز نشان داد حتی تأسیسات حیاتی و استراتژیک عربستان نیز از تیروس رزمندگان یمنی در امان نیست.

شکست سیاسی

سعودی‌ها اعلام کرده بودند که هدف از این جنگ نابودی انصارالله، حذف این جنبش از تحولات سیاسی یمن و بازگرداندن دولت منصورهادی بر سر قدرت است اما به وضوح تحولات کنونی یمن نشان می‌دهد که هیچ یک از این اهداف محقق نشده‌است و نه تنها منصورهادی به قدرت بازنگشته بلکه به گفته کارشناسان از دولت فراری و مستعفی منصورهادی تنها شेषی از آن باقی نمانده‌است. از سوی دیگر جنبش انصارالله یمن نیز بعد از نزدیک و ۷ سال جنگ با ائتلاف سعودی خود را به عنوان یک بازیگر قدرتمند سیاسی و نظامی به اثبات رساند و ثابت کرد که ریشه در تاریخ یمن‌ن دامن می‌زند. پنجم، برخی ژئوپلیتیک را دلیل اصلی حمله آل سعود به یمن می‌دانند. از این منظر عربستان دچار یک تنگنای ژئوپلیتیکی است که تصرف یمن با تجزیه آن می‌تواند این تنگنا را حل کند. عربستان از یک طرف با خلیج‌فارس و از طرف دیگر با دریای سرخ مرتبط است اما استفاده از این ابراه‌ها مستلزم عبور از تنگه هرمز و باب‌المندب است.با توجه به اینکه ایران بر تنگه هرمز و یمن نیز بر تنگه باب‌المندب اشرف دارند عربستان همواره از موقعیت آسیب پذیر خود نگران بوده‌است. تسلط انصارالله بر تنگه باب‌المندب موجب می‌شد که هر دو تنگه استراتژیک جهان که رگ حیات آل سعود به یمن ۲ تنگه وابسته‌است و و بخش اعظم صادرات نفت عربستان نیز از این ۲ تنگه‌است در اختیار ایران قرار بگیرد و این همان مسئله‌ای بود که عربستان به شدت از آن هراسان بوده‌است.با توجه به این معضل ژئوپلیتیک عربستان در طول چند دهه گذشته همواره به دنبال تسلط بر تمام یا بخش‌هایی از یمن بوه‌است.

شکست همه‌جانبه آل سعود

امروز ۲۴۶۴ روز از جنگ یمن می‌گذرد، جنگی که دو هفته‌ای قرار بود با نابودی انصارالله تمام شود حالا به گونه‌ای دیگر رو به اتمام است.آمریکا، اروپا و اعراب پشت عربستان را خالی کرده و حاضر نیستند شریک شکست فضااحتبار بن سلمان در این جنگ باشند؛ هر چند آنها شریک همه جانیات‌های سعودی‌ها در کشتار ده‌ها هزار زن و کودک و پیر و جوان یمنی هستند و نمی‌توانند شراکت خود در این جنایت را انکار کنند.

شکست نظامی

سعودی‌ها طی نزدیک به ۶سال گذشته در جبهه نظامی شکست بسیار سختی متحمل شدند. سعودی‌ها در این جنگ هزاران سرباز و مزدور خود و صدها پهپاد، بالگرد، جنگنده، نفربر وتانک خود را از دست دادند. از سوی دیگر نبرد در استان استراتژیک مارب نیز در حال مغلوبه شدن هست که به گفته کارشناسان ممکن است آخرین میخ بر تابوت جنگ یمن باشد. در ارزیابی اولیه برخی کارشناسان بر این باور بودند به دلیل عدم توازن شدید قوا و بودجه‌های کلانی که عربستان طی دهه‌های گذشته صرف پهپود و ارتقای توان نظامی خود کرده جنگ با یک گروه شبه نظامی و نابودی آن کار سختی نخواهد بود اما بر خلاف انتظارات این جنگ نزدیک به ۷ سال طول کشید و هیچ یک از اهداف اعلامی عربستان در این جنگ محقق نشد. به نوشته القدس العربی «دولت عربستان با بودجه نظامی ۷۰ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۹ پس از آمریکا و چین در رده سوم جهان قرار داشت و از لحاظ نسبت بودجه نظامی به کل درآمد ملی رتبه اول دنیا را دارد به طوری‌که ۹ الی ۱۰ درصد درآمدها برای مخارج نظامی صرف می‌شود». با این وجود سعودی‌ها نتوانستند به کمک این تجهیزات و حمایت قاطع آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی و آفریقایی در جنگ داعش برخوردار بود در مقابل یک ملت مظلوم در محاصره و با کمترین امکانات متحمل چنان شکستی شد که به عنوان درس عبرت در کتاب‌های تاریخ ثبت خواهد شد.

نبرد سرنوشت‌ساز مارب

بسیاری از کارشناسان شکست در نبرد مارب را آخرین

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲ دی ۱۴۰۰

۱۸ جمادی‌اول ۱۴۴۳ – شماره ۲۲۹۲۲



عربستان هیچ چاره‌ای جز خروج از یمن و پذیرش اقتدار انصارالله در این کشور مقاوم و مظلوم را ندارد.

بسیاری از کارشناسان شکست در نبرد مارب را آخرین میخ بر تابوت جنگ یمن و تکمیل شکست‌های پی‌درپی سعودی‌ها در این جنگ می‌دانند.

غلط خود را در این زمینه تغییر دهند. سعودی‌ها نتوانستند به کمک این تجهیزات و حمایت قاطع آمریکا، اروپا، رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی و آفریقایی در جنگ پیروز شوند و حالا خروج بدون آبروریزی از این جنگ تبدیل به معمای برای سعودی‌ها شده‌است.

نتیجه‌گیری

بن‌سلمان جنگ یمن را مایوسانه و بدون دستیابی به هیچ یک از اهداف خود همچنان ادامه می‌دهد این جنگ تبدیل به یک آبروریزی تمام عیار سیاسی، اخلاقی و نظامی برای آل سعود شده‌است. جدای از این هزینه‌های اقتصادی جنگ یمن نیز برای عربستان بسیار کمرشکن بوده‌است. صندوق بین‌المللی پول در گزارش خود اعلام کرده که از سال ۲۰۱۵ یعنی مرگ عبدالله بن عبدالعزيز پادشاه سابق تاکون، با اینکه ذخایر مالی عربستان بسیار بالا بوده، اما مبالغ نجومی نزدیک به یک تریلیون ریال عربستانی از آن صرف شده‌است.طبق این گزارش به طور اجمالی ذخیره مالی سعودی‌ها نزد بانک مرکزی این کشور در دسامبر ۲۰۱۴، ۲۰۱۴ هزار و ۷۴۶ میلیارد ریال (۷۲۲ میلیارد دلار) بود، اما این رقم رفته رفته در زمان ملک سلمان آب رفت، بطوری که در دسامبر ۲۰۱۹ به یک هزار و ۸۷۲ میلیارد ریال (۴۹۹ میلیارد دلار) رسید و این روند به این معنی است که خزانه عربستان در این مدت ۲۲۲ میلیارد دلار از دست داده و هر ساله ۴۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار از خزانه آب شده‌است.براساس این گزارش، سعودی‌ها هیچ وقت مشخص نکردند که این اموال چه شده و صرف چه چیزهایی شده‌است، اما تحلیلگران معتقدند که این مبلغ کلان، هزینه جنگ عربستان در یمن شده‌است. هرچند



بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول طی نزدیک به هفت سال گذشته عربستان بیش از ۲۲۳ میلیارد دلار در جنگ یمن هزینه کرده‌است.
حمله ۲۰۱۹ انصارالله به تأسیسات نفتی آرامکو در عمق خاک عربستان نیز نشان داد حتی تأسیسات حیاتی و استراتژیک عربستان نیز از تیروس رزمندگان یمنی در امان نیست.

عرب‌های جنگ یمن

این آمار از سوی منابع مطلع یمنی بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار عنوان شده‌است. روزنامه «واشنگتن پست» مارس ۲۰۱۵ (فروردین ۱۳۹۴) پس از شروع تهاجم نظامی عربستان به یمن در یادداشتی با نگاهی به تاریخچه مداخلات خارجی در یمن نوشت:«در سال‌های دهه ۱۹۶۰، مصر به باتلاق نبردی طوانسی و برهزینه در یمن وارد شد و دولت قاهره بهای بسیار هنگفتی برای این مداخله نظامی در یمن پرداخت: بیش از ۱۰ هزار سرباز مصری کشته شدند و بدهی بزرگی روی دست کشور ماند. این درگیری با عنوان «ویتنام مصر» لقب گرفت و رسانه‌های غربی نیز در آن زمان، مداخله در یمن را اشتباه کلاسیک در اوضاع درهم و برهم، سرزمینی دور ترسیم کردند.هم‌اکنون این داستان می‌تواند بیشتر از مصر، ایران عربستان سعودی که در عملیات «توفان قاطع» ایجاد ثبات در یمن نیست بلکه عملیاتی است که بناست غرور فرسوده شده سعودی‌ها دربرابر سلطه رو به رشد ایران در منطقه را به آنها بازگرداند. اما ماجراجویی خارجی به هیچ‌یک از اهداف اولیه و بالا رفتن هزینه‌های سرسام‌آور که باروی کارآمدن دولتی ناهمسو باسیاست‌های ولیعهد سعودی در آمریکا همراه شده، گزینه پذیرش شکست و خروج از یمن **منابع مورد استفاده در آرشيو کیهان موجود است.**

خواهد بود که مهم‌ترین پایگاه نظامی خود در یمن را از دست خواهد داد.وسایات آمریکایی «سنایسد عربیا» نیز در گزارشی با تأکید بر اینکه مارب دارای اهمیت استراتژیک و اقتصادی در جنگ یمن است نوشت« کنترل نیروهای صنعا بر شهر مارب، پایان دولت منصورهادی در یمن و آغاز یک فصل جدید در تاریخ این کشور محسوب می‌شود و یک درگیری مرگ و زندگی برای هر دو طرف به شمار می‌رود.»
عبرت‌های جنگ یمن
این جنگ دردهای عبرت آموز بسیاری برای منطقه، جهان و خود سعودی‌ها داشت اول، سرنوشت جنگ را تجهیزات نظامی و حمایت‌های بین‌المللی رقم نمی‌زد و همگان دیدند که رزمندگان جان برکف یمنی با کمترین امکانات، سنگین ترین شکست‌ها را به ارتش تا بن دندان مسلح عربستان و حامیان منطقه‌ای و جهانی آن تحمیل کردند. دوم، قدرت‌های منطقه و جهانی به خوبی متوجه شدند که انصارالله یک جنبش ریشه دار یمنی است و نمی‌توان با تکیه بر نیروی نظامی این جنبش را از عرصه حیات سیاسی و اجتماعی یمن حذف کرد. سوم، آمریکا و اروپا به خوبی و پس از گذشت نزدیک به ۶ سال از جنگ یمن متوجه شدند که عربستان فاقد توانایی راهبردی برای تبدیل شدن به رهبر جهان عرب یا یک هم‌زمن منطقه‌ای یا چیزی شبیه به آن است و شرطبندی روی ولیعهد متوجه سعودی طرفندنی روی یک اسب لنگ می‌باشد که از پیش نتیجه آن معلوم و مشخص است. چهارم، خود سعودی‌ها نیز بعد از شکست در این جنگ به ارزیابی دقیق‌ی قابلیت‌ها و امکانات خود رسیدند و متوجه شدند که بر خلاف لفاظی‌ها نه تنها قادر نیستند در یک جنگ به شدت نابرابر پیروز شوند بلکه حتی قادر نیستند از حریم زمینی و هوایی خود نیز محافظت کنند. پنجم، درس دیگر جنگ یمن برای سعودی‌ها این بود که خرید و انباشت مدرن‌ترین تجهیزات نظامی قادر نیست معادلات نظامی و سیاسی را در منطقه به نفع خود تغییر دهد و سعودی‌ها باید راهبرد در شدت